

## مدل معادلات ساختاری کارکردهای اجرایی براساس سبک‌های فرزندپروری، رشد اخلاقی و همدلی

فاطمه فولادی<sup>۱</sup> ID، زهرا هاشمی<sup>۲\*</sup> ID، پریا سادات معراجی سعید<sup>۳</sup> ID

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.
۲. نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: [z.hashmi@alzahra.ac.ir](mailto:z.hashmi@alzahra.ac.ir)
۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱

### چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی و همدلی با تأکید بر نقش میانجی کارکردهای اجرایی بود. روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه این پژوهش را تمامی نوجوانان دختر ۱۵-۱۸ سال شهر کرمان در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند. با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی تعداد ۲۵۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و شرکت‌کنندگان به پرسشنامه‌های سبک‌های فرزندپروری (بامریند، ۱۹۷۱)، همدلی (طاهری و همکاران، ۲۰۲۳)، رشد اخلاقی (معنوی‌پور، ۲۰۱۲) و مهارت‌های اجرایی (عبدالحمیدی و همکاران، ۲۰۲۵) پاسخ دادند. داده‌های گردآوری شده از طریق نرم‌فزار spss25 و Amos تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی و همدلی معنادار بود. با توجه به شاخص‌های برازش مدل، نقش میانجی کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی و همدلی از برازش مطلوبی برخوردار بود. همچنین نتایج آزمون سوبل حاکی از آن بود که نقش میانجی کارکردهای اجرایی در رابطه سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی معنادار بود، اما با همدلی رابطه معناداری وجود نداشت. به طور کلی می‌توان گفت سبک‌های فرزندپروری می‌تواند به طور مستقیم بر همدلی و به طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر کارکردهای اجرایی بر رشد اخلاقی اثر گذار باشد. بنابراین با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر می‌توان گفت والدین از طریق تقویت کارکردهای اجرایی می‌توانند بر رشد اخلاقی تأثیر بگذارند. همچنین اتخاذ سبک فرزندپروری مقتدرانه، همدلی بیشتری را در فرزندان پرورش می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های فرزندپروری، رشد اخلاقی، کارکردهای اجرایی، همدلی.

### استناد به این مقاله:

فولادی، فاطمه؛ هاشمی، زهرا؛ معراجی سعید، پریا سادات. (۱۴۰۴). مدل معادلات ساختاری کارکردهای اجرایی براساس سبک‌های فرزندپروری، رشد اخلاقی و همدلی. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۹(۷): ۲۱(۲) ۱۰.22051/jontoe.2024.48375.3972 . doi:

## مقدمه

تربیت نسلی که به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی متعهد باشد و بتواند به عنوان عضوی همدل و سازگار با انسان‌های دیگر زندگی کند، موضوعی بسیار با اهمیت است (بوسلیکی، ۲۰۱۹، ص. ۱۱۳). نوجوانی دوره‌ای است که آینده نسل‌ها را رقم خواهد زد و در این زمان انسان تغییراتی را چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی تجربه می‌کند. وقوع بسیاری از این تغییرات شوک زیادی را به نوجوان وارد کرده است. از طرفی دیگر، عصر جهانی شدن تأثیر زیادی بر بخش‌های مختلف زندگی بشر، به خصوص بر جنبه‌های رشد اخلاقی کودکان و همچنین دوران حساس و آسیب‌پذیر نوجوانانی دارد (آژر و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳۹۹۱). اخلاق اصطلاحی گسترده است که ارزش‌ها، هنجارها، معیارها و اصولی که اساس و مبنای صداقت و درستی است، را شامل می‌شود (مجبلی‌زاده و سرداری، ۲۰۲۴، ص. ۴۸). وقتی رشد اخلاقی نوجوانان را بررسی می‌کنیم، با دو مفهوم استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی روبه‌رو می‌شویم. به عبارت دیگر، نوجوان دارای اخلاق، فردی است که در سطح بالایی از استدلال اخلاقی قرار دارد و همزمان دارای رفتار اخلاقی رشد یافته‌ای نیز است (عبداللهی مقدم، ۲۰۱۹، ص. ۲).

رشد اخلاقی<sup>۱</sup>، روندی است که طی آن، استدلال‌های اخلاقی کودکان و نگرش آن‌ها نسبت به قانون‌شکنی‌ها شکل می‌گیرد و تغییر می‌کند. افزون بر این، اخلاقیات، مجموعه‌ای از اصول راهنما هستند که به افراد یاد می‌دهند چگونه عدالت را رعایت کنند، به هم یاری رسانند و با دیگران رفتاری شایسته داشته باشند (شعاع کاظمی و همکاران، ۲۰۱۴، ص. ۱۰۹). یکی از نظریات مهمی که در بحث رشد اخلاقی مورد توجه قرار می‌گیرد، نظریه قلمرویی شناختی-اجتماعی<sup>۲</sup> است. نوچی و توریل که از طرفداران این نظریه هستند، بین سه قلمرو اخلاق، عرف و شخصی تمایز قائل هستند. هر قلمرو ویژگی‌ها و مسیر رشد خاص خود را دارد. برای مثال در قلمرو اخلاق هنجارهایی الزام‌آور براساس مفاهیم حقوق و عدالت تعیین می‌شود (بوسلیکی، ۲۰۲۱، ص. ۲۵). اما رشد اخلاقی را نمی‌توان صرفاً بر پایه داوری در مورد مقررات اجتماعی و مفهوم عدالت محدود کرد، بلکه عواملی مانند عشق، عواطف انسانی و همدلی نیز باید به عنوان عوامل اخلاقی در نظر گرفته شوند. رشد اخلاقی جنبه‌ای بین فردی دارد که رفتارها و فعالیت‌های فردی را در تعاملات اجتماعی تنظیم می‌کند و تعارضات در روابط با دیگران را حل می‌کند. این جنبه بین فردی است که در ارتباط نزدیک با استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی است (عبداللهی مقدم، ۲۰۱۹، ص. ۲).

از سوی دیگر یکی از مولفه‌های اصلی و مرتبط با رشد اخلاقی، همدلی است (عبدالله و سلیم، ۲۰۲۰، ص. ۳۵). اصطلاح همدلی<sup>۳</sup>، مانند چتری است که مفاهیم گسترده‌ای را در برمی‌گیرد. اکثر محققان معتقدند که همدلی سازه‌ای چندبعدی است که عمدتاً شامل همدلی شناختی و همدلی عاطفی می‌شود. همدلی شناختی توصیف می‌کند که مردم چگونه عواطف دیگران را تشخیص می‌دهند و دیدگاه‌های آنها را درک می‌کنند، در حالی که همدلی عاطفی، به احساساتی اشاره دارد که به صورت خودجوش در پاسخ به احساسات دیگران برانگیخته می‌شوند (یان و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳۵). با توجه به مفهوم همدلی و پژوهش‌های پیشین، چهارچوبی نظری برای توصیف مفهوم همدلی تدوین شد. در ابتدا مدل ادراک-عمل<sup>۴</sup> (PAM) براساس نظریه تکاملی ابداع شد و پس از آن مدل عروسک روسی<sup>۵</sup> برای توصیف بهتر پیشرفت همدلی در انسان استفاده گردید. بر طبق این نظریه، همدلی سه سطح دارد که عبارتند از سرایت عاطفی<sup>۶</sup>، نگرانی همدلانه<sup>۷</sup> و چشم‌انداز<sup>۸</sup> (دیوال و همکاران، ۲۰۱۷، ص. ۱). پس از آن، هیز (۲۰۱۸) یک مدل سیستمی دوگانه از همدلی را پیشنهاد کرد. بر طبق این مدل سیستم ۱ به طور خودکار عمل می‌کند و در اوایل زندگی رشد می‌کند، اما سیستم ۲، شامل پردازش کنترل شده مانند

1. Moral Development
2. Social Cognitive Domain Theory
3. Empathy
4. Perception-Action Model
5. Russian Doll Mode
6. Emotional Contagion
7. Empathetic Concern
8. Perspective Taking



ذهن‌خوانی است و دیرتر از سیستم ۱ توسعه می‌یابد. بنابراین به نظر می‌رسد که براساس مدل سیستم دوگانه، توانایی‌های شناختی پایه، مانند کارکردهای اجرایی، به طور قابل توجهی بر همدلی تأثیر می‌گذارند (یان و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۳۷).

با توجه به نقش شناخت و پردازش‌های شناختی در تحول اخلاقی و همدلی، به نظر می‌رسد که نقش کارکردهای اجرایی<sup>۱</sup> را در این زمینه باید در نظر گرفت (یان و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۳۷). کارکردهای اجرایی اصطلاحی عصب-روانشناختی است که شامل فرایندهای روانشناختی سطح عالی می‌شود. به بیان دیگر، کارکردهای اجرایی به افراد برای تحقق یافتن اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های از پیش تعیین شده، کمک می‌کند. کارکردهای اجرایی حاصل عملکرد قسمت پیش‌پیشانی مغز هستند و در فعالیت‌های معطوف به آینده، ارزیابی و نظم‌بخشی به فرایندهای پیچیده شناختی نقش پررنگی ایفا می‌کنند (زارع و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۲). از جمله کارکردهای اجرایی می‌توان به تصمیم‌گیری، سازماندهی، بازداری پاسخ، تفکر انتزاعی و بازتخصیص منابع ذهنی اشاره کرد (زارع و همکاران، ۲۰۱۹، ص ۱۶). در همین راستا، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که، آسیب به قشر پیش‌پیشانی مغز (مرکز کارکردهای اجرایی)، می‌تواند در قضاوت و رشد اخلاقی، تنظیم احساسات، استدلال اخلاقی و به طور کلی در رفتارهای اجتماعی اختلال ایجاد کند (اشرفی و اسکاتی، ۲۰۱۳). در این راستا نتایج پژوهش‌های مرادی و همکاران (۲۰۲۳)، امیری و همکاران (۲۰۱۶)، وراستای و همکاران (۲۰۱۵) و اشرفی و اسکاتی (۲۰۱۳) نشان داد که بین کارکردهای اجرایی و رشد اخلاقی نیز رابطه معنادار وجود دارد.

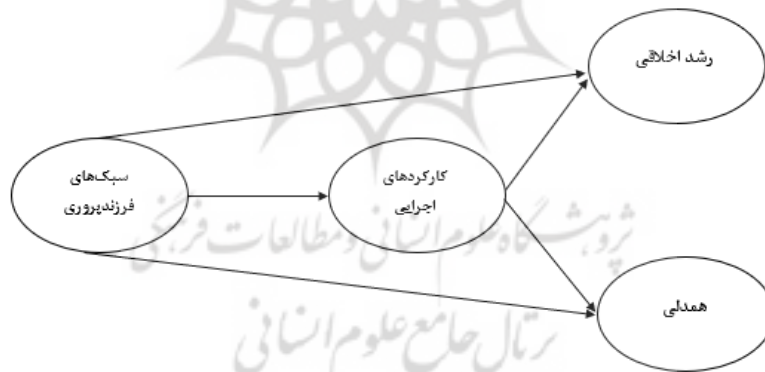
از گذشته تا به امروز خانواده به عنوان طبیعی‌ترین نهاد اجتماعی به عنوان مؤثرترین عامل بر رشد اخلاقی مورد توجه بوده است. این نهاد کوچک اما کارآمد از روش‌های متعددی بر رشد اخلاقی فرزندان مؤثر است (بوسلیکی، ۲۰۱۹، ص ۱۴). والدین اصلی‌ترین و نزدیک‌ترین افراد در زندگی فرزندان هستند و نقش اساسی در اجتماعی شدن آن‌ها دارند. به عبارت دیگر، ویژگی‌های شخصیتی، رشد جسمی، روانی، شناختی، زبانی، جنسی و رفتارهای فعلی و آینده فرزندان تحت تأثیر رفتارها، نگرش‌ها و شیوه‌های انضباطی والدین است (آوجی و ساک، ۲۰۲۱، ص ۵۱۱). طبق نظریه بوم شناختی برنر، والدین در میکروسیستم فرزندان قرار دارند، جایی که تعاملات آن‌ها می‌تواند تأثیرات مستقیمی بر فرزندان داشته باشد و همانقدر که محیط بر رشد کودکان تأثیرگذار است، سبک فرزندپروری والدین نیز مؤثر است (عبدالله و سلیم، ۲۰۲۰، ص ۳۶). زیرا شیوه تربیتی والد، در افزایش عزت نفس، خودکارآمدی و احساس شایستگی کودک نقش به‌سزایی ایفا می‌کند و از این طریق ارزش‌های اخلاقی و نگرش‌های والدین به فرزندان منتقل می‌شود (خلیلی گشنیگانی و همکاران، ۲۰۲۳، ص ۱۴۶). بامریند (۱۹۷۱) در مطالعات خود، چهار نوع اصلی برای آن‌ها را شناسایی کرد: مقتدرانه، استبدادی، سهل‌انگارانه و طردکننده. این سبک‌ها بر اساس طیفی از صمیمیت و کنترل والدین طبقه‌بندی می‌شوند. کنترل والدین، مربوط به قوانینی سفت و سخت است که برای فرزندان وضع می‌شود و صمیمیت والدین، متضمن درک و مسئولیت‌پذیری نسبت به رفتارهای کودک است (فولادی و همکاران، ۲۰۲۲، ص ۶۲).

پژوهش‌های متعددی به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی پرداخته‌اند. به طور مثال پژوهش پیمان‌نیا و برومندنسب (۲۰۱۲)، نشان داد که یک ارتباط معنادار بین سبک‌های فرزندپروری و رشد اخلاقی نوجوانان وجود دارد. فقط نوجوانانی که والدین آنها از سبک مقتدرانه استفاده می‌کنند به سطح اول و دوم رشد اخلاقی دست می‌یابند. همچنین، والدینی که از سبک استبدادی استفاده می‌کنند، معمولاً فرزندان آنها در سطح یک رشد اخلاقی (اجتناب از تنبیه) متوقف می‌شوند. از سوی دیگر، والدینی که سبک پرورش سهل‌انگارانه دارند، فرزندان آنها غالباً در مرحله دوم سطح یک (پاداش و وسایل) قرار می‌گیرند. در پژوهش دیگری از اسمعیلی و همکاران (۲۰۲۱)، نتایج حاکی از آن بود که بین رشد اخلاقی با شیوه‌های سهل‌انگارانه، استبدادی و اقتدار منطقی والدین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. همچنین در پژوهش‌های دی‌پنتیما و همکاران (۲۰۲۴)، ماسیتا و سایتپو (۲۰۲۱)، بتول و شهزاد (۲۰۱۹) نیز رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی معنادار گزارش شد.

از طرفی دیگر مطالعات اخیر مانند پژوهش وانگ و همکاران (۲۰۲۱)؛ عبدالله و سلیم (۲۰۲۰)؛ یوسف و آدیپوترا (۲۰۲۰)؛ سولفاما (۲۰۱۳) نیز نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر شکل‌گیری همدلی در فرزندان هستند و رابطه معناداری با همدلی دارند، زیرا والدین همدل می‌توانند به رشد همدلی در کودکان کمک کنند. از طرفی مطابق با مبانی نظری و پژوهش‌ها، سبک‌های فرزندپروری می‌تواند بر رشد و ارتقای کارکردهای اجرایی تأثیر داشته باشد (اسگو و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۲). به عنوان مثال در پژوهش صفائیان (۲۰۱۱)، سبک مقتدرانه سهم معناداری در پیش‌بینی کارکردهای اجرایی از جمله برنامه‌ریزی و سازماندهی دارد. در پژوهش دیگری که اسگون و همکاران (۲۰۲۰)، انجام دادند، نتایج نشان داد، استفاده از سبک‌های مقتدرانه و استقلال دادن به کودک در کنار حمایت از او منجر به رشد کارکردهای اجرایی در آن‌ها خواهد شد. همچنین در پژوهش هاتکینسون و همکاران (۲۰۱۶)، نیز نتایج حاکی از آن بود فرزندان که با سبک سختگیرانه و سهل‌گیرانه بزرگ شده بودند، کارکردهای اجرایی ضعیف‌تری نسبت به همسالان خود که با سبک مقتدرانه پرورش یافته بودند، داشتند. افزون بر این، در پژوهش وچکویچ و همکاران (۲۰۲۱)، نیز نتایج نشان داد فرزندان که کارکردهای اجرایی ضعیفی دارند، والدین آن‌ها بیشتر از سبک سختگیرانه همراه با خشونت و پرخاشگری استفاده می‌کردند. با این حال هنوز نقش میانجی کارکردهای اجرایی در رابطه سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی و همدلی به طور واضح مشخص نیست. از این رو با توجه به اهمیت ویژه دوران نوجوانی به عنوان مرحله مهمی از جامعه‌پذیری عاطفی، فردی و رشد اجتماعی و اخلاقی، همچنین افزایش فراوانی و شدت تعارضات والد-کودک به دلیل تحریک‌پذیری نوجوان و خلاء پژوهشی در این زمینه، هدف این پژوهش بررسی نقش میانجی کارکردهای اجرایی در رابطه سبک‌های فرزندپروری و همدلی و رشد اخلاقی می‌باشد. در این راستا، مدل پژوهشی و فرض‌های پژوهش زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی و همدلی معنادار است.

نقش میانجی کارکردهای اجرایی در رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی و همدلی معنادار است.



شکل ۱. مدل مفروض پژوهش

## روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری می‌باشد و جامعه آماری متشکل از تمامی نوجوانان دختر ۱۵ تا ۱۸ ساله شهر کرمان در سال ۱۴۰۲ بود. نمونه پژوهش شامل ۲۵۰ نفر است که بر اساس منطق پیشنهادی (کلاین، ۲۰۱۰) و با روش نمونه‌گیری گلوله برفی مجازی انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌های پژوهش به صورت مجازی و برخط به شرکت‌کنندگان ارائه شد و تضمین محرمانه بودن آنها را به آن‌ها داد. تجزیه و تحلیل اطلاعات در دو بخش انجام گرفت. بخش اول که شامل آمار توصیفی است از میانگین و انحراف استاندارد و در بخش دوم از همبستگی پیرسون و مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. برای ورود به این مطالعه، شرایطی از جمله داشتن سواد خواندن و نوشتن، عدم طلاق یا فوت والدین، و تکمیل صحیح پرسشنامه‌ها لحاظ شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا توضیحات مختصری درباره هدف پژوهش و تأکید بر حفظ رازداری و محرمانگی پاسخ‌ها در وب‌سایت

پرس‌لاین منتشر شد. سپس ابزارهای مدنظر به صورت آنلاین طراحی شدند و لینک آنها از طریق گروه‌های مجازی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. شرکت‌کنندگان به صورت آگاهانه و با رضایت قبلی به فرآیند جمع‌آوری داده‌ها وارد شدند و در هر زمانی می‌توانستند از آن خارج شوند. به عبارت دیگر، آن‌ها بعد از پاسخ به جمله «با رضایت کامل و آگاهی از اهداف پژوهش حاضر در آن شرکت می‌کنم»، می‌توانستند به پرسشنامه اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن و رشته تحصیلی) و دیگر ابزارهای پژوهش پاسخ دهند. در نهایت، در پاییز ۱۴۰۲، ۳۲۰ نفر از جامعه آماری به صورت داوطلبانه از ابزارها بازدید کردند و ۲۵۶ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ کامل دادند. مدت زمان میانگین پاسخ‌دهی آن‌ها ۲۵ دقیقه و ۴۷ ثانیه بود و از میان این افراد، ۲۵۰ نفر بر اساس معیارهای ورود و خروج به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های جمع‌آوری شده سپس با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS25 و AMOS تحلیل گردید.

ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

**پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری<sup>۱</sup>:** بامریند (۱۹۷۳) پرسشنامه‌ای با محوریت سبک‌های فرزندپروری و ۳۰ گویه تدوین کرده است. این پرسشنامه توسط حسین پور (۲۰۰۰) به زبان فارسی برگردانده شده است و سبک‌های فرزند پروری والدین را در سه خرده‌مقیاس سهل‌انگارانه<sup>۲</sup>، استبدادی<sup>۳</sup> و مقتدرانه<sup>۴</sup> اندازه‌گیری می‌کند. هر یک از عبارات از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری شده‌اند. بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی بهره برد و مشاهده کرد که شیوه مستبدانه رابطه منفی با سهل‌گیرانه ( $r = -0.38$ ) و مقتدرانه ( $r = 0.48$ ) دارد اما شیوه سهل‌گیرانه رابطه معناداری با شیوه مقتدرانه نداشت ( $r = 0.07$ ). کرمی (۲۰۱۲) ابتدا این پرسشنامه را ترجمه و جهت بررسی مقیاس از روش دو نیمه کردن استفاده کرد. ضریب پایایی آزمون از طریق روش اسپیرمن-براون و روش دو نیمه کردن گاتمن  $0.83$  به دست آمد. آلفای کرونباخ یا همسانی کلی سؤالات برابر با  $0.86$  به دست آمد که مطلوب بود (مینائی و نیک‌زاد، ۲۰۱۷: ۹۷).

**مقیاس رشد اخلاقی<sup>۵</sup>:** این مقیاس در سال ۱۳۹۱ توسط معنوی‌پور طراحی شد. هدف این مقیاس سنجش رشد اخلاقی نوجوانان بر مبنای نظریه‌های رشد اخلاقی، روانشناختی و فرهنگ اسلامی-ایرانی بود. این مقیاس ۱۳ گویه دارد که در ۴ عامل (اخلاق اجتماعی<sup>۶</sup>، اخلاق عرفی<sup>۷</sup>، اخلاق پیش عرفی<sup>۸</sup> و اخلاق پس عرفی<sup>۹</sup>) حدود ۵۵ درصد از رشد اخلاقی را تبیین می‌کند. نمره‌گذاری مقیاس رشد اخلاقی براساس طیف لیکرت چهار درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۲) انجام می‌گیرد. همچنین در این مقیاس گویه‌های ۵، ۶، ۱۱ و ۱۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. در پژوهش معنوی‌پور (۲۰۱۱) روایی محتوایی گویه‌ها با نظرخواهی از متخصصان بررسی شد. همچنین به وسیله‌ی تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، بررسی روایی سازه انجام شد و در نهایت ثبات درونی پرسشنامه از طریق ضریب آلفا کرونباخ مقدار  $0.93$  به دست آمد.

**پرسشنامه تجدیدنظر شده همدلی کودکان و نوجوانان<sup>۱۰</sup> (EmQue-CA-R):** این پرسشنامه که در ابتدا توسط ریف و همکاران (۲۰۱۰) طراحی شده و توسط اورگاوو و همکاران (۲۰۱۷) برای سنجش همدلی کودکان و نوجوانان مورد تجدیدنظر قرار گرفته

1. Parenting Style Inventory
2. Permissive
3. Authoritarian
4. Authoritative
5. Moral Development Scale
6. Social Conventional
7. Conventional
8. Pre conventional
9. Post-conventional
10. Empathy Questionnaire for Children and Adolescents - Revised

است. این مقیاس تجدیدنظر شده ۱۴ سؤال دارد که سه خرده مقیاس همدلی عاطفی<sup>۱</sup>، همدلی شناختی<sup>۲</sup> و تمایل به حفظ آرامش<sup>۳</sup> را در برمی‌گیرد. در پژوهش طاهری و همکاران (۲۰۲۳)، نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که در نمونه دانش‌آموزان ایرانی ساختار سه عاملی مقیاس شامل همدلی عاطفی، همدلی شناختی و تمایل به حفظ آرامش با داده‌ها برازش مطلوبی داشت. نتایج مربوط به همبستگی بین این مقیاس با مقیاس همدلی و همدردی نوجوانان به‌طور تجربی از روایی همگرا نسخه تجدیدنظر شده مقیاس همدلی کودکان و نوجوانان حمایت کرد. مقادیر ضرایب همسانی درونی نسخه تجدیدنظر شده مقیاس همدلی کودکان و نوجوانان برای زیرمقیاس‌های همدلی عاطفی، همدلی شناختی و تمایل به حفظ آرامش به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۶ و ۰/۸۲ به دست آمده. همچنین پایایی به روش آلفای کرونباخ سه زیرمقیاس همدلی عاطفی، همدلی شناختی، تمایل به حفظ آرامش و کل مقیاس به ترتیب برابر با ۰/۷۹، ۰/۷۶، ۰/۸۲ و ۰/۸۴ به دست آمد.

**پرسشنامه تجدیدنظر شده مهارت‌های اجرایی<sup>۴</sup> (ESQ-R):** نسخه‌ی اولیه‌ی پرسشنامه مهارت‌های اجرایی که توسط داوسون و گورا (۲۰۱۲) ساخته شد، یک ابزار خودگزارشی مداد کاغذی است که دارای ۳۳ سؤال برای نوجوانان و ۳۶ سؤال برای بزرگسالان است (داوسون و گورا، ۲۰۱۸). در حال حاضر این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال است که پنج حیطه کارکردهای اجرایی را ارزیابی می‌کند: برنامه‌ریزی<sup>۵</sup> (۱۱ گویه)، مدیریت زمان<sup>۶</sup> (۴ گویه)، تنظیم هیجان<sup>۷</sup> (۳ گویه)، سازماندهی<sup>۸</sup> (۳ گویه) و تنظیم رفتار<sup>۹</sup> (۴ گویه). نمره‌گذاری این پرسشنامه به‌صورت مقیاس لیکرت انجام می‌شود، به‌طوری که نمره صفر برای «هرگز»، نمره یک برای «گاهی»، نمره دو برای «اغلب» و نمره سه برای «همیشه» در نظر گرفته می‌شود. کمترین نمره ممکن در این پرسشنامه صفر و بالاترین نمره ۷۵ است. در پژوهش عبدالحمیدی و همکاران (۲۰۲۵)، روایی همگرا برای این پرسشنامه مطلوب گزارش گردیده است. همچنین، مقادیر آلفای کرونباخ برای عوامل مختلف به شرح زیر است: عامل اول ۰/۸۴، عامل دوم ۰/۷۸، عامل سوم ۰/۷۶، عامل چهارم ۰/۷۲ و عامل پنجم ۰/۷۰، که همگی نشان‌دهنده همسانی داخلی مناسبی هستند. برای ارزیابی پایایی بازآزمون، با شرکت ۶۰ نفر از آزمودنی‌ها، در فاصله زمانی دو هفته، ضریب همبستگی ( $r=0/84$ ) بین دو بار اجرای پرسشنامه تجدیدنظر شده مهارت‌های اجرایی محاسبه شد که در سطح  $P<0.001$  معنادار بود و نشان‌دهنده پایایی بازآزمایی مطلوبی است.

## یافته‌های پژوهش

در این قسمت به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، در ابتدا خلاصه‌ای از توزیع فراوانی افراد شرکت‌کننده در پژوهش ارائه و برخی از شاخص‌های آمار توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای چندگانه محاسبه گردید. سپس به منظور ارائه نمای ساده از روابط بین متغیرهای چندگانه پژوهش، ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین متغیرهای اصلی محاسبه شد. در ادامه نیز به منظور آزمون الگوی مفروض، روابط ساختاری بین متغیرهای پژوهش از طریق روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری محاسبه گردید. نتایج توصیف و بررسی متغیرهای جمعیت شناختی در میان نوجوانان دختر مورد مطالعه را به حجم نمونه ۲۵۰ نفر نشان می‌دهد که اکثریت نوجوانان به میزان ۶۴/۸ درصد در رشته تحصیلی علوم انسانی مشغول به تحصیل بودند پس از آن ۱۸/۴ درصد در رشته علوم ریاضی، ۱۲/۴ درصد در رشته علوم تجربی و ۴/۴ درصد در رشته‌های هنری مشغول به تحصیل بودند.

1. Affective Empathy
2. Cognitive Empathy
3. Intention to Comfort
4. Executive Skills Questionnaire-Revised
5. Planning
6. Time Management
7. Emotion Regulation
8. Organization
9. Behavior Regulation

جدول شماره ۱. توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیر	خرده مقیاس	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
سبک‌های فرزندپروری	سهل انگارانه	۱۸	۴۵	۲۹/۱۹	۵/۳۶	۰/۲۵۱	۰/۳۹۹
	استبدادی	۱۱	۵۰	۲۹/۰۳	۷/۸۹	-۰/۰۹۳	۰/۳۴۰
	منطقی	۲۰	۵۰	۴۰/۴۷	۶/۴۴	-۰/۸۵۰	۰/۹۱۱
همدلی	همدلی عاطفی	۱۳	۳۰	۲۰/۱۵	۳/۲۳	۰/۲۸۷	۰/۴۷۹
	همدلی شناختی	۳	۹	۷/۱۹	۱/۴۴	-۰/۵۵۷	-۰/۰۲۸
	تمایل به حفظ آرامش	۷	۱۲	۱۰/۴۶	۱/۷۴	-۰/۶۸۸	-۰/۹۸۴
	نمره کل همدلی	۲۸	۴۹	۳۷/۸۱	۴/۸۱	۰/۰۰۵	-۰/۶۴۲
رشد اخلاقی	اخلاق اجتماعی	۱۰	۲۰	۱۵/۷۰	۲/۸۸	-۰/۲۹۴	-۰/۹۸۰
	اخلاق عرفی	۷	۱۵	۱۲/۲۳	۲/۰۱	-۰/۲۹۴	-۰/۷۳۱
	اخلاق پس عرفی	۵	۹	۷/۳۶	۱/۲۲	۰/۳۶۴	-۰/۷۹۳
	اخلاق پیش عرفی	۴	۱۵	۱۱/۳۸	۲/۶۵	-۰/۴۰۷	-۰/۵۴۷
	نمره کل رشد اخلاقی	۳۳	۶۱	۴۹/۳۶	۶/۹۳	-۰/۰۱۲	-۰/۶۲۸
کارکردهای اجرایی	برنامه ریزی	۰	۲۶	۱۲/۱۲	۵/۳۶	۰/۲۳۶	-۰/۴۷۴
	مدیریت زمان	۰	۹	۳/۶۶	۲/۴۳	۰/۲۹۳	-۰/۷۵۸
	تنظیم هیجان	۰	۹	۳/۵۰	۲/۳۰	۰/۴۸۳	-۰/۷۸۷
	سازماندهی	۰	۸	۲/۴۸	۲/۲۱	۰/۶۱۷	-۰/۶۶۷
	تنظیم رفتار	۲	۱۰	۶/۰۹	۱/۹۹	۰/۱۵۱	-۰/۵۱۶
	نمره کل کارکردهای اجرایی	۳	۵۹	۲۷/۸۶	۱۰/۹۲	۰/۰۶۴	-۰/۱۲۵

جدول شماره ۱ نتایج توصیف و بررسی هر یک از متغیرهای اصلی تحقیق را به همراه خرده مقیاس‌های آنان به لحاظ آماره‌های گرایش به مرکز (میانگین)، گرایش به پراکندگی (انحراف معیار) و توزیع نمرات (چولگی و کشیدگی) نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمره سبک‌های فرزندپروری شامل سبک سهل انگارانه برابر با ۲۹/۱۹، سبک استبدادی ۲۹/۰۳ و سبک منطقی ۴۰/۴۷ است. همچنین میانگین نمره همدلی در بین نوجوانان ۳۷/۸۱ با انحراف معیار ۴/۸۱ است. میانگین متغیر رشد اخلاقی ۴۹/۳۶ با انحراف معیار ۶/۹۳ بوده و در نهایت میانگین نمره کارکردهای اجرایی ۲۷/۸۶ با انحراف معیار ۱۰/۹۲ محاسبه شده است.

نتایج مقادیر چولگی و کشیدگی هر یک از متغیرها نیز نشان می‌دهد که میزان مقادیر محاسبه شده این توزیعات در بازه ۲ تا -۲ قرار دارد در نتیجه می‌توان بیان کرد که متغیرهای محاسبه شده به لحاظ آمار توصیفی دارای توزیع نرمال و بهنجاری است. همچنین نتایج پیش فرض عدم هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین در مدل نیز نشان داد که میزان آماره حداقل تحمل برای متغیرهای پیش‌بین از ۱ کمتر و میزان آماره عامل تورم واریانس از ۱۰ کمتر می‌باشد در نتیجه می‌توان بیان کرد که پیش فرض عدم هم خطی بین متغیرهای پیش‌بین در مدل تایید می‌شود. از دیگر پیش فرض‌های مهم در انجام مدل سازی معادلات ساختاری بررسی همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین ملاک و میانجی است که نتایج آن در جدول شماره ۲ گزارش شده است.

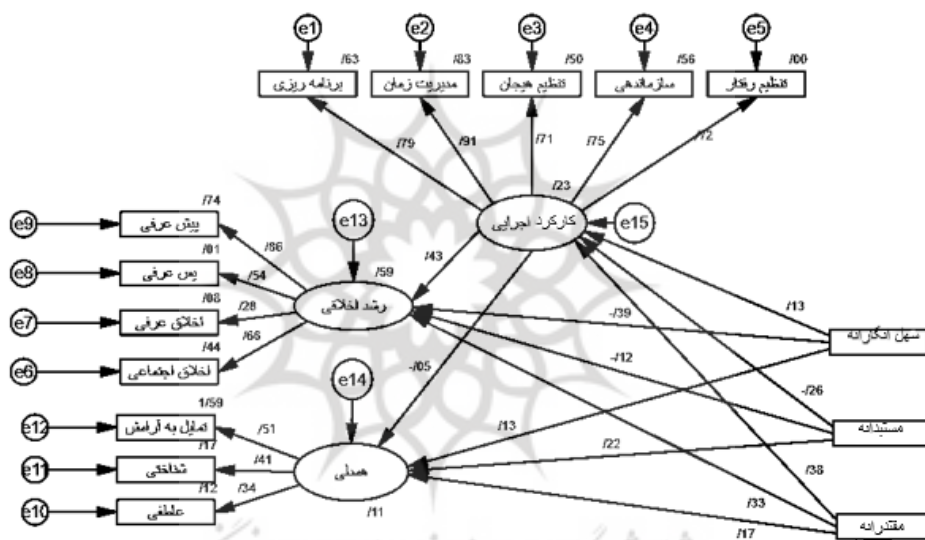
جدول شماره ۲. بررسی همبستگی میان متغیرهای ملاک و پیش‌بین

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
سبک سهل انگارانه	۱					
سبک استبدادی	۰/۲۶۳**	۱				
سبک منطقی	*۰/۱۴۰	۰/۰۱۶	۱			
همدلی	**۰/۱۶۴	**۰/۳۲۸	۰/۱۲۰	۱		
رشد اخلاقی	**۰/۲۸۰	-۰/۰۱۰	**۰/۴۲۵	**۰/۳۶۷	۱	

\*\* معناداری در سطح ۰/۰۱ \* معناداری در سطح ۰/۰۵

جدول شماره ۲ نتایج همبستگی بین متغیرهای ملاک، پیش بین و میانجی را با آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که متغیر سبک سهل انگارانه با ضریب همبستگی ۰/۱۶۴ با متغیر همدلی همبستگی مثبت، با ضریب ۰/۲۸۰- با متغیر رشد اخلاقی همبستگی منفی معناداری در سطح آلفای ۰/۰۱ دارد. در حالی که این متغیر با متغیر مهارت اجرایی همبستگی معناداری نشان نمی‌دهد. همچنین نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی با ضریب ۰/۳۲۸ با متغیر همدلی و با ضریب ۰/۲۵۱- با متغیر مهارت اجرایی همبستگی مثبت و معناداری دارد. در ادامه، سبک فرزندپروری منطقی با ضریب ۰/۴۲۵ با متغیر رشد اخلاقی و با ضریب ۰/۳۰۶ با متغیر مهارت اجرایی همبستگی مثبت و معناداری در سطح آلفای ۰/۰۱ دارد. در نهایت متغیر مهارت اجرایی با ضریب ۰/۳۹۸ با متغیر همدلی و با ضریب ۰/۳۹۸ با متغیر رشد اخلاقی همبستگی مثبت و معناداری دارد.

شکل ۱. مدل معادلات ساختاری رابطه سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی و همدلی با میانجی‌گری کارکردهای اجرایی



مدل ۱ نتایج بررسی مدل معادلات ساختاری رابطه سبک‌های فرزندپروری را با رشد اخلاقی و همدلی همراه با نقش میانجی کارکردهای اجرایی در میان نوجوانان نشان می‌دهد که پیش از تحلیل این روابط ابتدا باید شاخص‌های برازش مدل مورد تبیین قرار گیرد.

جدول شماره ۳. بررسی شاخص‌های برازش مدل

TLI	IFI	CFI	NFI	RMSEA	AGFI	GFI	X2/df	شاخص
۰/۹۵۰	۰/۹۷۱	۰/۹۶۵	۰/۹۴۵	۰/۰۷۸	۰/۹۳۱	۰/۹۱۲	۳/۸۳۰	مدل پیشنهادی

جدول شماره ۳ نتایج شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری شماره ۱ را نشان می‌دهد نتایج بدین ترتیب است که میزان نسبی کای اسکوئر بر درجه آزادی ۳/۸۳۰ می‌باشد که از میزان ۵ کمتر است در نتیجه می‌توان بیان کرد که این شاخص در حالت مطلوبی قرار دارد. همچنین شاخص‌های RMSEA نیز ۰/۰۷۸ می‌باشد که از میزان ۰/۰۸ کمتر است در نتیجه این شاخص نیز مورد تایید قرار می‌گیرد و در نهایت مابقی شاخص‌ها نیز از میزان ۰/۹ بالاتر می‌باشند و به طور کلی می‌توان بیان کرد که شاخص‌های برازش مورد مطالعه قابل قبول هستند.

جدول شماره ۴. بررسی ضرایب اثر مستقیم استاندارد شده و غیر استاندارد رابطه متغیرهای تحقیق

فرضیه	p	نسبت بحرانی	خطای معیار	ضرایب مسیر استاندارد شده	ضرایب مسیر غیر استاندارد	مسیر
تایید	۰/۰۲۸	۲/۱۹۱	۰/۰۴۸	۰/۱۳۱	۰/۱۰۵	سبک سهل‌انگارانه ← مهارت اجرایی
تایید	۰/۰۰۰	-۴/۳۳۸	۰/۰۳۳	-۰/۲۶۴	-۰/۱۴۴	سبک استبدادی ← مهارت اجرایی
تایید	۰/۰۰۰	۶/۱۳۶	۰/۰۴۱	۰/۳۸۲	۰/۲۵۵	سبک منطقی ← مهارت اجرایی
تایید	۰/۰۰۰	-۶/۲۵۸	۰/۰۲۲	-۰/۳۹۲	-۰/۱۴۱	سبک سهل‌انگارانه ← رشد اخلاقی
تایید	۰/۰۳۳	۲/۱۳۰	۰/۰۱۲	۰/۱۲۷	۰/۰۲۶	سبک سهل‌انگارانه ← همدلی
تایید	۰/۰۳۳	-۲/۱۳۲	۰/۰۱۴	-۰/۱۱۸	-۰/۰۲۹	سبک استبدادی ← رشد اخلاقی
تایید	۰/۰۰۸	۲/۶۶۵	۰/۰۱۲	۰/۲۲۴	۰/۰۳۱	سبک استبدادی ← همدلی
تایید	۰/۰۰۰	۵/۱۹۰	۰/۰۱۹	۰/۳۳۴	۰/۱۰۰	سبک منطقی ← رشد اخلاقی
تایید	۰/۰۱۷	۲/۳۳۸	۰/۰۱۲	۰/۱۶۶	۰/۰۲۸	سبک منطقی ← همدلی
تایید	۰/۰۰۰	۵/۵۷۴	۰/۰۳۴	۰/۴۲۷	۰/۱۹۱	مهارت اجرایی ← رشد اخلاقی
رد	۰/۳۹۱	-۰/۸۵۸	۰/۰۱۴	-۰/۰۴۷	-۰/۰۱۲	مهارت اجرایی ← همدلی

جدول شماره ۴ نتایج بررسی ضرایب اثر مستقیم استاندارد شده و غیر استاندارد شده رابطه میان متغیرهای تحقیق را به تفکیک نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که سبک‌های فرزند پروری شامل سبک سهل‌انگارانه با ضریب ۰/۱۳۱، سبک استبدادی با ضریب ۰/۲۶۴-، سبک منطقی با ضریب ۰/۳۸۲ اثر مستقیم و معناداری در سطح خطای ۰/۰۵ بر متغیر میانجی کارکردهای اجرایی دارند مبنی بر اینکه با افزایش سبک سهل‌انگارانه و منطقی کارکردهای اجرایی افزایش می‌یابد در حالی که با افزایش سبک استبدادی از کارکردهای اجرایی کاسته می‌گردد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری شامل سبک سهل‌انگارانه با ضریب ۰/۳۹۲-، سبک استبدادی با ضریب ۰/۱۱۸-، سبک منطقی با ضریب ۰/۳۳۴ و کارکردهای اجرایی با ضریب ۰/۴۲۷ اثر معنادار و مستقیم بر متغیر درونزاد رشد اخلاقی داشتند مبنی بر اینکه با افزایش سبک سهل‌انگارانه و استبدادی از رشد اخلاقی در میان نوجوانان کاسته می‌گردد و با افزایش سبک منطقی و کارکردهای اجرایی رشد اخلاقی در میان آنان افزوده می‌شود. نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای سبک فرزندپروری سهل‌انگارانه با ضریب ۰/۱۲۷، سبک استبدادی با ضریب ۰/۲۲۴، سبک منطقی با ضریب ۰/۱۶۶ اثر مستقیم و معناداری بر متغیر درونزاد همدلی داشتند. بدین ترتیب که با افزایش سبک‌های فرزندپروری سهل‌انگارانه، استبدادی و منطقی میزان همدلی در میان نوجوانان افزایش می‌یابد در حالی که متغیر میانجی کارکردهای اجرایی اثر مستقیم و معناداری بر متغیر درونزاد همدلی نداشته است.

جدول شماره ۵. بررسی ضرایب استاندارد غیر مستقیم رابطه میان متغیرهای تحقیق

متغیر	ضریب استاندارد غیر مستقیم	معناداری (p)	خطای استاندارد	کران بالا	کران پایین
سبک منطقی ← همدلی	۰/۰۱۸	۰/۴۸۹	۰/۰۵۷	۰/۱۰۴	-۰/۰۲۲
سبک منطقی ← رشد اخلاقی	۰/۱۶۳	۰/۰۴۶	۰/۰۹۰	۰/۳۰۳	۰/۰۰۱
سبک استبدادی ← همدلی	۰/۰۱۲	۰/۴۳۵	۰/۰۴۳	۰/۰۸۵	-۰/۰۱۴
سبک استبدادی ← رشد اخلاقی	-۰/۱۱۳	۰/۰۳۰	۰/۰۶۸	-۰/۲۴۹	۰/۰۰۳
سبک سهل‌انگارانه ← همدلی	-۰/۰۰۶	۰/۳۹۰	۰/۰۱۵	۰/۰۰۸	-۰/۰۴۳
سبک سهل‌انگارانه ← رشد اخلاقی	۰/۰۵۶	۰/۰۲۸	۰/۰۳۳	۰/۰۰۲	۰/۱۳۰

جدول شماره ۵ نتایج بررسی ضرایب اثر استاندارد غیر مستقیم با روش بوت استراپینگ<sup>۱</sup> رابطه میان متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که از میان متغیرهای مورد بررسی تنها متغیر سبک‌های فرزندپروری منطقی با ضریب استاندارد غیر مستقیم ۰/۱۶۳، سبک استبدادی با ضریب ۰/۱۱۳- و سبک سهل‌انگارانه با ضریب ۰/۰۵۶ اثر غیرمستقیم و معناداری بر متغیر درونزاد رشد اخلاقی با میانجیگری کارکردهای اجرایی داشتند. بدین ترتیب که با افزایش سبک فرزندپروری منطقی و سهل‌انگارانه میزان کارکردهای اجرایی افزایش می‌یابد و با افزایش کارکردهای اجرایی رشد اخلاقی نیز افزوده می‌گردد. همچنین با افزایش سبک استبدادی از میزان کارکردهای اجرایی کاسته می‌شود و با کاهش کارکردهای اجرایی از میزان رشد اخلاقی نیز کاسته می‌گردد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری با میانجی‌گری کارکردهای اجرایی اثر غیر مستقیمی بر همدلی در میان نوجوانان نداشتند.

نتایج میزان معناداری رابطه میان سبک‌های فرزندپروری با متغیرهای همدلی و رشد اخلاقی با میانجی‌گری کارکردهای اجرایی توسط آزمون سوبل<sup>۲</sup> بررسی شد. براساس نتایج به دست آمده از آزمون سوبل نشان داد که میزان تی محاسبه شده در ارتباط غیر مستقیم سبک‌های فرزندپروری با متغیر همدلی شامل سبک منطقی ۱/۳۲۵، سبک استبدادی ۱/۱۱۴ و سبک سهل‌انگارانه ۱/۵۱۴ می‌باشد که هر سه این میزان تی به دست آمده از ۱/۹۶ کمتر هستند در نتیجه می‌توان بیان کرد که ارتباط غیر مستقیم سبک‌های فرزندپروری با متغیر همدلی با میانجی‌گری کارکردهای اجرایی غیر معنادار می‌باشد. نتایج همچنین نشان داد که میزان تی رابطه سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی شامل سبک منطقی ۲/۱۱۵، سبک استبدادی ۲/۲۱۵ و سبک سهل‌انگارانه ۲/۳۳۴ می‌باشد که میزان تی محاسبه شده از ۱/۹۶ بیشتر است؛ در نتیجه می‌توان بیان کرد که رابطه غیرمستقیم سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی توسط نقش میانجی کارکردهای اجرایی معنادار است.

## نتیجه‌گیری و بحث

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین سبک‌های فرزندپروری با همدلی و رشد اخلاقی و نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در نوجوانان ۱۵-۱۸ ساله شهر کرمان بود. نخستین یافته به‌دست آمده از این پژوهش، نشان‌دهنده رابطه معنادار سبک‌های فرزندپروری با همدلی بود که با نتایج پژوهش‌های وانگ و همکاران (۲۰۲۱)؛ عبدالله و سلیم (۲۰۲۰)؛ یوسف و آدیپوترا (۲۰۲۰)؛ سولفاما (۲۰۱۳) همسو بود. به منظور تبیین این یافته می‌توان گفت که طبق نظریه پذیرش- طرد والدین (رونر، ۲۰۰۴)، رفتارهای والدین یک بعد دوقطبی دارد که پذیرش والدین در یک قطب است در حالی که طرد در قطب دیگر قرار دارد. عوامل والدینی مانند صمیمیت و گرمای عاطفی والدین، می‌تواند به طور مثبت همدلی کودکان را پیش‌بینی کند، در حالی که طرد شدن از طرف والدین ممکن است برعکس عمل کند و از شکل‌گیری همدلی در آنان جلوگیری کند. بنابراین در سبک‌های مستبدانه و سهل‌انگارانه که پاسخگویی والدین ناکافی است و صمیمیت مناسبی در رابطه آن‌ها وجود ندارد، همدلی کمی در فرزندان شکل می‌گیرد اما در سبک مقتدرانه که پذیرش، صمیمیت و پاسخگویی مطلوبی وجود دارد، همدلی بیشتری در فرزندان ایجاد می‌شود.

در راستای یافته دوم این پژوهش مبنی بر رابطه معنادار سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی که با پژوهش‌های دی‌پتیما و همکاران (۲۰۲۴)، ماسیتا و سایپو (۲۰۲۱) و بتول و شهزاد (۲۰۱۹) نیز همسو بود، می‌توان گفت که طرفداران نظریه قلمرویی اجتماعی-شناختی شواهدی بر این باور دارند که هر قدر والدین مرز قلمروهای سه‌گانه شامل امور اخلاقی، امور عرفی و امور شخصی را بهتر مراعات کنند، به رشد اخلاقی فرزندان خود یاری می‌رسانند. این نظریه‌پردازان بر این باورند که از میان سه نوع سبک فرزندپروری، والدین سخت‌گیر، امور اخلاقی را بی‌جهت گسترده در نظر می‌گیرند و حتی برخی مصادیق امور عرفی یا شخصی را داخل آن قرار می‌دهند، والدین سهلگیر، گستره امور شخصی را فراخ‌تر در نظر می‌گیرند و برخی امور اخلاقی و عرفی را شخصی تلقی می‌کنند و به کودک

آزادی عمل زیادی می‌دهند، اما این والدین مقتدر هستند که مرز روشنی بین امور اخلاقی، عرفی و شخصی می‌کشند و کنش‌های فرزندپروری خود را به تناسب قلمروها صورت می‌دهند (بوسلیکی، ۲۰۱۹، ص. ۱۱۶).

یافته سوم پژوهش حاضر نیز حاکی از اثر غیرمستقیم و معنادار سبک‌های فرزندپروری با رشد اخلاقی توسط نقش میانجی کارکردهای اجرایی بود. به منظور تبیین این یافته نیز می‌توان به نظریه شناختی-اجتماعی بندورا اشاره کرد که در سبک مستبدانه کودکان با مشاهده تلبیه بدنی و خصومت کلامی والدین، در حفظ توجه مشکل پیدا می‌کند، مهارت‌های خودتنظیمی پایینی را از طریق الگوبرداری اتخاذ می‌کند و فرصت یادگیری راهبردهای خودتنظیمی رفتاری و عاطفی را برای مقابله با تعارضات اجتماعی به روش‌های سازنده از دست می‌دهند. اما در سبک مقتدرانه، رفتارهای مطلوب و منطقی والدین، به کودکان اجازه می‌دهد تا با چالش‌های روزمره روبه‌رو شوند و مهارت‌های اجرایی آنان از جمله حل مسئله و استدلال تقویت گردد (وکویچ و همکاران، ۲۰۲۰، ص. ۳۲۷). از طرفی دیگر طبق نظریه رشد اخلاقی جیمز رست (۱۹۸۶)، رشد اخلاقی طی چهار مرحله (حساسیت اخلاقی، استدلال اخلاقی، انگیزه اخلاقی و شخصیت اخلاقی) صورت می‌گیرد که کارکردهای اجرایی و لوب پیشانی نقش عمده‌ای در این مراحل به‌خصوص در قضاوت و استدلال اخلاقی ایفا می‌کنند.

و در نهایت یافته چهارم پژوهش نیز نشان می‌دهد که سبک‌های فرزندپروری با میانجی‌گری کارکردهای اجرایی اثر غیر مستقیمی بر همدلی در میان نوجوانان نداشتند که ناهمسو با پژوهش (لی و همکاران، ۲۰۲۲) بود. این ناهمسویی می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند شرایط متفاوت مطالعه حاضر (مانند پژوهش گردآوری داده‌ها به صورت مجازی) و یا تفاوت‌های فرهنگی باشد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن جامعه آماری به شهر کرمان اشاره کرد که قابلیت تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه می‌کند. با این حال، پیشنهاد می‌شود که با توجه به تغییرات امروزه ارزش‌های اخلاقی نسل نوجوانان در زمینه رشد اخلاقی و همدلی آنان پژوهش‌های بیشتری صورت بگیرد و مشارکت خانواده‌ها و مدارس نیز در این زمینه افزایش یابد. همچنین توصیه می‌شود که والدین در بین مشغله‌های روزانه، زمانی را برای توجه به رشد اخلاقی کودکان در نظر بگیرند، زیرا عصر جهانی شدن آثار منفی فراوانی بر رشد اخلاقی کودکان دارد.

### تعارض منافع

تمامی موازین اخلاقی پژوهش حاضر رعایت گردیده است و هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

### سپاسگزاری

در نهایت از تمامی شرکت‌کنندگان بزرگواری که در انجام این پژوهش، ما را یاری کردند سپاسگزاریم.

## References

- Abdolahi Moghadam, M. (2019). Presenting the model of moral development in teenagers according to metacognitive components with the emphasis on social cognition theory. *Rooyesh*, 8(10), 1-8. doi: 20.1001.1.2383353.1398.8.10.5.9 (Text in Persian).
- Abdolmohammadi, K., Alimohamadi, A., & Ghadiri Sourman Abadi, F. (2025). Psychometric Properties of the Executive Skills Questionnaire-Revised (ESQ-R). *Educational Measurement*, 14(58), 69-92. <https://doi.org/10.22054/jem.2024.73997.3466>. (Text in Persian)
- Abdullah, S. H., & Salim, R. M. A. (2020). Parenting style and empathy in children: The mediating role of family communication patterns. *HUMANITAS: Indonesian Psychological Journal*, 17(1), 34-45. doi 10.26555/humanitas. v17i1.13126
- Amiri, S., Ghasemi, A., Azad Marzabadi, E. (2016). Investigating moral decisions and executive functions in adolescents based on individual differences in personality biotypes. *Contemporary Psychology*, 11(2), 81-93. (Text in Persian).

- Ashrafi, V., & Estaki, M. (2013). Relation between moral development and executive functions of brain. *Journal of Behavioral sciences in Asia*, 1(1), 49-60.
- Avcı, E., Sak, R. (2021). The relationship between parenting styles and fourth graders' levels of empathy and aggressiveness. *Curr Psychol*, 40, 510-522. doi.org/10.1007/s12144-018-9959-7
- Azhar, A. L., Rasyid, A., Ritonga, M., & Saputra, R. (2020). The role of parents in forming morality adolescent's puberty in globalization era. *International Journal of Future Generation Communication and Networking*, 13(4), 3991-3996.
- Batool, S., & Shehzad, S. (2019). Effect of Parenting Styles on Moral Development of Secondary School Students. *Journal of Research & Reflections in Education (JRRE)*, 13(2).
- Bosliki, H. (2019). Factors contributing to moral development of children in parent-child relation from a moral psychological view. *Journal of Moral Studies*, 2(4), 113-130. Doi: 20.1001.1.23833025.1396.7.2.4.1 (Text in Persian).
- Bosliki, H. (2021). A Critical Assessment of "Social-Cognitive Domain Theory" concerning Moral Development. *Journal of Moral Studies*, 4(3), 23-48. doi: 10.22034/ethics.2022.49955.1475. (Text in Persian).
- De Waal, F. B. M., & Preston, S. D. (2017). Mammalian empathy: Behavioural manifestations and neural basis. *Nature Review Neuroscience*, 18(8), 498-509. doi: 10.1038/nrn.2017.72.
- Di Pentima, L., Toni, A., & Roazzi, A. (2024). Moral development and parenting styles: the mediating role of emotional skills. *Current Psychology*, 1-15. doi: 10.1007/s12144-023-05577-y
- Esgun, N., Zarean, M., & Babapour Khairuddin, J. (2020). Prediction of executive function problems based on parenting styles. *8th Congress of Iranian Psychological Association*, Tehran. (Text in Persian)
- Esmaili, F., Tahmasebi, S., Mohammadi Arya, A., Soltani, P. R. (2021). The Relationship between parenting styles and moral development of preschool children mediated by children's attachment. *Jrehab*, 22 (3), 362-377. doi: 10.32598/RJ.22.3.3275.1 (Text in Persian).
- Fooladi, F., Pourshahriar, H., & Ebrahimi, S. (2023). Psychometric Properties of Helicopter Parenting Instrument in Adolescents. *Psychological Achievements*, 30(1), 59-78. doi: 10.22055/psy.2022.38405.2734 (Text in Persian).
- Hutchison, L., Feder, M., Abar, B., & Winsler, A. (2016). Relations between parenting stress, parenting style, and child executive functioning for children with ADHD or autism. *Journal of Child and Family Studies*, 25, 3644-3656. doi.org/10.1007/s10826-016-0518-2
- Khalili Geshnigani, Z., Ghadampour, E., & Gholamrezaei, S. (2023). The relationship of psychological entitlement and religious orientation with life satisfaction in students with symptoms of academic procrastination: The mediating role of psychological well-being. *The Journal of New Thoughts on Education*, 19(4), 143-161. doi: 10.22051/jontoe.2022.38631.3475. (Text in Persian).
- Lee, Y., Lim, J., & An, S. (2022). The Structural Relationships among Maternal Reflective Function, Preschoolers' Empathy, Executive Functions, and Caring Behaviors. *Family and Environment Research*, 60(2), 177-186. doi.org/10.6115/fer.2022.012
- Manavipour, D. (2011). Making a moral growth measurement scale for students. *Educational Management Innovations (New Thoughts in Educational Sciences)*. 7(6), 89-96. (Text in Persian).
- Masitah, W., & Sitepu, J. M. (2021). Development of Parenting Models in Improving Children's Moral Development. *Nazhruna: Jurnal Pendidikan Islam*, 4(3), 769-776. doi: 10.31538/nzh. v4i3.1692
- Minaei, A., & Nikzad, S. (2017). The Factor Structure and Validity of the Persian Version of the Baumrind Parenting Style Inventory. *Journal of Family Research*, 13(1), 91-108. (Text in Persian)
- Mohebbali Zadeh, N., & Sardary, B. (2024). The Effectiveness of a Social Cognition Training Program on Moral Metacognition and Level of Empathy in Students. *The Journal of New Thoughts on Education*, 20(1), 47-60. doi: 10.22051/jontoe.2023.40126.3566. (Text in Persian).
- Moradi, A., Yazdanbakhsh, K., & Mahdian, Z. (2023). Examining the relationship between executive functions and moral judgment with the mediation of theory of mind of 9-11-year-old children in Ilam city. *Social Cognition*, 12(23). doi:10.30473/sc.2023.69269.2919 (Text in Persian).
- Peyman nia, B., & Broumandnasab, M. (2012). The relationship between parents' parenting styles and adolescents' moral development based on Kohlberg's puzzles of moral development. *National Congress of Child and Adolescent Psychology*. Tehran Iran. (Text in Persian).
- Safaian, E. (2011). *The relationship between parenting styles and the executive functions of planning-organization and self-control in children with attention deficit/hyperactivity disorder*. Master's thesis, Allameh Tabatabai University. (Text in Persian).

- Shua Kazemi, M., Mir Mohammad Hossein Oshani, S.A. (2014). The relationship between parents' religious teachings and the moral development of elementary school children. *Research in Islamic education issues*, 23 (29), 107-120. (Text in Persian).
- Solfema, S. (2013). Parenting styles, school culture, society culture, and teenagers' empathy. *Journal of Science Education*, 19(2), 149-154.
- Taheri, M., Tajali, P., & Shahriari Ahmadi, M. (2023). Psychometric Properties of the Empathy Questionnaire for Children and Adolescents - Revised (EmQue-CA-R). *Applied Psychology*, 17(1), 191-171. doi: 10.48308/apsy.2021.223911.1164 (Text in Persian)
- Vera-Estay, E., Dooley, J. J., & Beauchamp, M. H. (2015). Cognitive underpinnings of moral reasoning in adolescence: The contribution of executive functions. *Journal of Moral Education*, 44(1), 17-33. doi.org/10.1080/03057240.2014.986077
- Vučković, S., Ručević, S., & Ajduković, M. (2021). Parenting style and practices and children's externalizing behaviour problems: Mediating role of children's executive functions. *European Journal of Developmental Psychology*, 18(3), 313-329. doi: 10.1080/17405629.2020.1768067
- Wang, Q., Lin, Y., Teuber, Z., Li, F., & Su, Y. (2023). Parental Burnout and Prosocial Behavior among Chinese Adolescents: The Role of Empathy. *Behavioral Sciences*, 14(1), 17. doi: 10.3390/bs14010017
- Wang, S., Hu, H., Wang, X., Dong, B., & Zhang, T. (2021). The hidden danger in family environment: The role of self-reported parenting style in cognitive and affective empathy among offenders. *Frontiers in psychology*, 12, 588993. doi: 10.3389/fpsyg.2021.588993
- Yan, Z., Hong, S., Liu, F., & Su, Y. (2020). A meta-analysis of the relationship between empathy and executive function. *PsyCh journal*, 9(1), 34-43. doi: 10.1002/pchj.311
- Yusuf, S., & Adiputra, S. (2020). The Effect of Parenting Patterns and Empathy Behavior on Youth Prosocial. *International Journal of Instruction*, 13(3), 223-232. doi: 10.29333/iji.2020.13315a
- Zare, H., Alipour, B., & Elmy Manesh, N. (2023). Comparing the Effectiveness of Cognitive Rehabilitation Training with Positive Psychotherapy Intervention on Executive Functions in Mild Brain Injury Patients. *Neuropsychology*, 9(33). doi:10.30473/clpsy.2024.64166.1665. (Text in Persian).
- Zare, H., Mohammadi Farshi, A., Aliakbari Dehkordi, M. (2019). Effect of menstrual cycle on the types of attention and executive functions in women aged 18-30 years. *advances in cognitive sciences*, 21 (2), 15-31. doi:10.30699/icss.21.2.15 (text in persian).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی